فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵- صفحات ۱۷۶-۱۵۵

بررسی فقهی حقوقی تنزیل اسناد و اوراق بهادار با تاکید بر مقررات جدید بانکی

بهمن کریمی گلنار[۱]
جمشید شیری [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۵/۲/۲

چکیده

خرید دین یکی از نهاد های مورد اختلاف در فقه امامیه است، که در معاملات بانکی کاربرد فراوان دارد، در مورد ماهیت، وضعیت، اقسام و انواع گوناگون این نهاد حقوقی در میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد، اما اصل موضوع مورد وفاق است که به پیروی از این نظر، به طور رسمی در اواخر سال ۱۳۸۹ وارد ادبیات قانونی ما شده و دستور العمل اجرایی ان توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. تنزیل یکی از رایج ترین اقسام خرید دین است که در ادبیات تخصصی با عنوان خرید دین پولی شناخته می‌شود. و در حقوق بانکی در قالب تنزیل اوراق مشارکت رهنی و اعتبارات اسنادی و بروات و اسناد تجاری و ... برای تامین اعتبار توسط تجار مورد استفاده قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: خرید دین، تنزیل اعتبارات اسنادی، تنزیل اسناد تجاری، حقوق بانکی، ربا
طبقه بندی JEL: k290

---

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۱- مقدمه

در بانکداری اسلامی به استناد قوانین مصوب و قواعد مسلم شرع باید معامله بانکی عاری از هرگونه ربا باشد. متاسفانه بسیاری از عملیات بانکی امیخته با ربا است، که در نظام حقوقی بانکی تلاشهای فراوانی برای حل این معضل شده است: برخی ماهیت و وضعیت حقوقی ربا و بهره را از هم متمایز نموده اند، (کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) و برخی مشارکت و مضاربه و فروش های اقساطی و ..... را پیشنهاد می‌کنند. (بردبار، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲) یکی از عقودی که قابلیت بهره‌برداری در عملیات بانکی بدون ربا را دارد، عقد خرید دین است. که البته در این مقاله به یکی از اقسام ان یعنی خرید دین پولی می پردازیم. عملیات مربوط به خرید دین پولی بر مبنای آئین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و در شورای نگهبان نیز مخالف با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده بود و نیز اصلاحیه بعدی آئین‌نامه مذکور مصوب ۱۳۶۶/۹/۲۴ شورای پول و اعتبار، انجام می‌پذیرفت، که امروز بر اساس دستورالعمل مصوب توسط شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ صورت می پذیرد.

۲- خرید دین

با توجه به اینکه تنزیل یکی از اقسام خرید دین است ناگزیر از بررسی خرید دین به لحاظ مفهوم و ماهیت و وضعیت فقهی و حقوقی ان هستیم و بعد از ارائه نظرات فقها و روشن شدن وضعیت حقوقی خرید دین در نظام فقهی و حقوقی ایران تنزیل را به عنوان یکی از اقسام خرید دین بررسی می نماییم.

برای تعیین وضعیت حقوقی خرید دین از دیدگاه فقها و حقوقدانان و تطبیق ان در نظام حقوق بانکی لاجرم باید تعریف و ماهیتی از خرید دین را ارایه نمود:

۱-۲- تعریف خرید دین

در کتب فقهی متاسفانه تعریفی برای خرید دین ارایه نشده است، ولی با دقت در عنوان ان می توان تعریف جامعی از خرید دین ارایه کرد. (البته از تعریف قانونی که در دستور العمل اجرایی خرید دین مصوب شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ ارایه شده نباید غافل شد.)[1]

«خرید دین قراردادی است که به موجب ان دین حال یا موجل به کمتر یا بیشتر و یا معادل مبلغ اسمی ان به صورت نقدی و یا غیر نقدی از طلبکار، توسط مدیون یا ثالث، خریداری می شود.»

---

۱. خرید دین قراردادی است که به موجب ان شخص ثالثی دین مدت دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی Hن به صورت نقدی از وی خریداری می کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۲-۲- ماهیت خرید دین

در مورد ماهیت حقوقی خرید دین می توان بین سه مورد قائل به تردید شد که از این قرار است:

۲-۲-۱- خرید دین به عنوان عقد بیع

وقتی به کتب فقهی که خرید دین از آن‌ها اقتباس شده است نگاه می‌کنیم غالبا با عنوان بیع الدین از آن یاد کرده، (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص۶۰- علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص۴۵۷ و همان ۱۴۱۴، ج۱۰، ص -۱۲۶ - فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج۲، ص ۶ - شهید اول،۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۱۳ – شیخ طوسی، ۱۴۰۸، ص ۲۵۲ - ابن ادریس،۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۵ – صاحب معالم، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۵۵ - محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۸ - شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۹ - عاملی، ۱۴۱۹ ، ج ۱۵، ص ۶۵ - طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۱۳۵ - محمد حسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۳۴۷ - شیخ انصاری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۴ – نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱ ص ۸۸ - بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷ ص ۱۹۶) و احکام بیع را بر ان بار نموده‌اند، دینی که در عقد خرید دین مد نظر ماست با عینی که قانون‌گذار در تعریف بیع[1] به ان اشاره کرده است هم خوانی و تناسب دارد:

اولا: دین می تواند مفهومی همسان با عین کلی فی الذمه داشته باشد و مشمول عقد بیع مورد تعرفه در قانون مدنی شود.

دوما: درست است که برخی از بزرگان فقه (شیخ انصاری، همان، ج۳، ص ۱۱ – نجفی، همان، ج۲۲، ص ۲۰۶)، ادعای اجماع کرده و استقرار نظر جمیع فقها را بر لزوم عین بودن مبیع دانسته اند، ولی می‌توان گفت: بیع در اغلب موارد نقل اعیان است نه شرط لازم بیع. در بین عرف و عقلا در جهان کنونی نیز بیع سرقفلی و بیع امتیاز آب، برق و تلفن، امری رایج است، با اینکه در این موارد، فروشنده جز «حق»، چیز دیگری ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص۳۱۲).

۲-۲-۲- خرید دین به عنوان قراردادی خصوصی

اگر همداستان شویم با گروهی که مقررات و ضوابط بیع را همسان با خرید دین نمیدانند و معتقدند که در بیع فقط عین است که مورد نقل قرار می گیرد، (شیخ انصاری، همان – نجفی، همان) پس باید بدنبال گنجاندن این عقد در قالب قرارداد خصوصی و ماده ۱۰ قانون مدنی باشیم؛ کما اینکه در مورد انتقال برخی از حقوق همانند حق خیار، حق سرقفلی و ... می توان این گونه نظر داد.

---

۱. ماده ۳۳۸ قانون مدنی : بیع تملیک عین است در مقابل عوض معلوم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۳-۲-۲- خرید دین به عنوان عقدی معین

همان طور که برخی حقوقدانان به درستی اشاره نموده اند، یک عقد می تواند در زمانی به طور عقد نامعین باشد و در برهه ای از زمان باتصویب قانون و احکام و اثار خاص برای ان به صورت عقدی معین در بیاید. (قنواتی، وحدتی، عبدی پور، زیر نظر محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۸) خرید دین هم تا قبل از سال ۱۳۸۹ که طرح ان در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، بیع تلقی می شد؛ لیکن با توجه به قانونی که در این مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، میتوان گفت قانون گذار این عمل حقوقی را به عنوان عقدی معین، و شرایط و اثار و احکام خاصی را برای ان در نظر گرفته است. البته همانطور که گفته شد خرید دین ازعقود معین موضوع ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه تحت عنوان ماده واحده الحاق عقود سه گانه به قانون عملیات بانکی بدون ربا است. که نهایتا به نظر می رسد عقد خرید دین از نظر تحلیلی عقد بیع است ولی خود از عقود معین است.[۱]

۳-۲- وضعیت حقوقی خرید دین

برای تبیین وضعیت حقوقی خرید دین و استفاده از ان در عملیات بانکداری بدون ربا باید خرید دین را در فقه امامیه و حقوق ایران مطالعه نمود، که ابتدا وضعیت فقهی موضع تبیین و سپس به بررسی ان در نظام حقوقی ایران می پردازیم:

۱-۳-۲- وضعیت حقوقی خرید دین در فقه امامیه

با مطالعه و تدقیق در فقه امامیه در مورد خرید دین می توان کلیه نظراتی که در این خصوص وارد شده است را در ذیل پنج گروه جمع بندی کرد:

۱-۱-۳-۲- گروهی از فقها خرید دین را به طور مطلق صحیح دانسته، و بدون ورود در تقسیم‌بندی‌ها و تفصیلات وارده در موضوع مطلقا به جواز بیع دین افتا کرده اند؛ (امام خمینی[۲]، ۱۴۲۶، ص ۶۰۵ - خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۳ - سیستانی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۲ - شبیری زنجانی[۳]، ۱۴۳۰، ص ۴۹۰ -

---

۱. برای دیدن مورد مشابه ر ک به کاتوزیان ناصر همان ذیل ماده ۳۳۸ حاشیه ۵.

۲. مسأله ۲۷۰۱. سفتهٔ حقیقی را اگر کسی از بدهکار بگیرد که با دیگری به مبلغی کمتر معامله کند، حرام و باطل است، اگر خودِ طلبکار سفته‌ای را که از بدهکار گرفته به مبلغی کمتر به فرد سومی بفروشد، بلااشکال است،.....

۳. مسأله ۲۲۹۷- اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از موعد آن به کمتر از آن بفروشد اشکال ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

فیاض،[1] ۱۴۲۶، ص ۳۵۳ - فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶، ص ۵۲۶ - مکارم شیرازی[2]، ۱۴۲۷، ج۲، ص۲۳۵ - تبریزی[3]، بی تا، ج۲، ص۲۳۴)

۲-۱-۳-۲- گروهی با تدقیق در عوض معامله در عقد خرید دین به افتاء پرداخته اند. بسیاری از فقهای امامیه (خویی، همان، ج ۲ص ۱۷۳ - امام خمینی، بی تا، ج۱ص ۶۴۹ - عاملی،همان، ج ۴، ص ۴۲۵) با توجه به روایاتی از معصومین علیهم السلام خرید دین را در صورتی که عنوان خرید دین بدین بر ان صدق کند، ممنوع و باطل میدانند و از جمله ان روایتی است که بدان اشاره نموده اند: «عن ابی عبداللّه (ع): قال رسول اللّه (ص): لا یباع الدین بالدین. »(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۸، ص ۳۴۷) بیع دین به دین معامله دین در مقابل ثمنی است، که خود دین است. در میان فقها و حقوقدانان مشهور است(خویی، همان - امام خمینی، همان - امامی، بی تا، ج۱، ص۴۵۵ - کاتوزیان،۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۰۶) که نباید در مقابل دین، دین قرار گیرد وگرنه مشمول نهی نبوی قرار گرفته و باطل می‌شود؛

۳-۱-۳-۲- گروهی خرید دین توسط غیر مدیون را باطل(خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ص ۴۷۶) و یا حداقل واجد اثر حقوقی نمی دانند.(حلّی، ابن ادریس، همان، ج۲، صص ۳۳ و ۵۵ - امام خمینی، همان، ج۲، ص ۱۷۶) اکثریت قریب به اتفاقی از فقها (عاملی، همان، ج۵، ص ۲۲ - حسینی عمیدی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۸۱)بیع دین به غیر مدیون را مثل دیگر اقسام بیع دین محکوم به صحت می دانند. این رأی مشهور است.

برخی مدیون را به پرداخت مبلغی بیش از انچه که شخص ثالث پرداخته است، ملزم نمی دانند. (ابن ادریس حلی، همان، ج۲، ص ۵۶ - امام خمینی، همان، ج۲، ص ۱۷۷)

در مقابل مشهور معتقدند که اگر بیع دین به مبلغ کمتر به غیر مدیون صحیح باشد، خریدار دین(داین جدید) طلبکار تمام دین از مدیون می شود و محق در دریافت ان است؛ (احمد بن محمد حلی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۴۸۶ - محقق کرکی، همان،ج۱۵، ص۱۸)

---

۱. مسأله ۱۵۲۵ فروش دَین به کمتر از آن، در صورت که دَین از طلا و نقره یا از مکیل و موزن نباشد، جایز است؛ برای رهایی از معامله ربوی می‌تواند به این صورت عمل نماید که: استفاده‌کننده از اوراق تجاری که در جای دیگر قابل وصول است، آن را به بانک بدهد، و بانک بعد از کسر مصارف خود، می‌تواند بقیه قیمت آن را به دارنده آن بپردازد.

۲. سؤال ۷۲۳- خریدوفروش چک و سفته چه حکمی دارد؟ جواب: خریدوفروش چک یا سفته‌ای که سند بدهکاری کسی می‌باشد به کمتر یا بیشتر مانعی ندارد.

۳. فروش دین مدت دار به مبلغ کمتر به نقد مانعی ندارد، و در فرض سؤال که چک حقیقی است یعنی صادرکنندهٔ چک به کسی که چک در وجه او نوشته شده مدیون است و چک سند این دین است فروش مبلغ آن چک به مبلغ کمتر به نقد مانعی ندارد، و اللّه العالم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۴-۱-۳-۲- گروهی خرید دین بعد از حلول ان را صحیح لیکن خرید دیـن قبـل از حلـول ان را باطل و بلا اثر می دانند. (فاضل مقـداد حلّـی، ۱۴۰۴، ج۲، ص۱۴۶- علامـه حلـی، ۱۴۱۳، ج۲، ص ۱۰۶- ابن ادریس حلی، همان،ج۲، ص۴۲ - یحیی بن سعید حلی، ۱۴۰۵، ص۲۵۱)

عده‌ی دیگری از فقها تفاوتی بین خرید دین بعد از حلول و قبل از حلول قائل نیستند و هـر دو را محکوم به صحت می دانند؛ که البته باید اذعان داشت این گروه در اکثریت هستند و قول مشهور را تشکیل می دهند.(مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج۹، ص۹۸ - شهید ثانی، همان، ج۴، ص۲۰ – محقق کرکی، همان، ج۵، ص۳۹).

۵-۱-۳-۲- گروهی دیگر بین خرید دین به میزان دین و خرید دین به کمتر از میزان دین قائل به تفصیل شده اند؛ با این توضیح که خرید دین به میزان کمتر از دین را جایز و یا دست کم واجـد اثر حقوقی نمی دانند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷،ج۲، ص۵۰) اما در مورد حکم فقهی خرید دین به مبلغ کمتر، کسانی که با اصل خرید دین مخالفتی ندارند، در مورد خرید دین به مبلغ کمتر هم قایل بـه صحت هستند (فاضل یوسفی،۱۴۱۷، ج۱، ص ۵۳۶ - علامه حلی، همـان، ج۵، ص ۳۷۱ - بحرانـی، بی تا، ج۲۰، ص ۱۵۹-) و تنها اشکال وارده بر ان ربوی بودن معامله است که بدان پرداخته می‌شود:

با توجه به قواعد ربای معاملی، با تحقق موارد ذیل خرید دین به مبلـغ کمتـر مشـمول معاملـه ربوی و در نتیجه حرام و باطل می باشد:

۱- همجنس بودن عوض و معوض (دین و عوض دین) در خرید دین

۲- مکیل و موزون بودن دین

با این توضیح که اگر عقد خرید دینی صورت بگیرد و دینی که در ان مورد معامله قرار می گیرد با عوضی که در مقابل دین معامله می شود همجنس باشـد و ایضـا جـنس عـوض و معـوض مـورد معامله از اجناسی باشد که تعیین و اندازه گیری ان به صورت کیل و وزن صـورت مـی گیـرد، ایـن خرید دین ربوی است.

در بحث ربوی بودن این عقد اشکال وجود دارد، با این عنوان که فلسفه تحریم ربا در این مـورد بخصوص جاری نیست و مشمول ایه تجاره عن تراض است. (فیاض، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵) بـا تـدقیق در متون فقهی می توان فلسفه تحریم ربا را به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱- ربا «اکل مال به باطل» است. و بدون شک «اکل مال به باطل» حرام است، بـدین جهـت ربا نیز حرام است. معنی اکل مال به باطل این است کـه انسـان بـدون دلیـل منطقـی و عقلی، درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل مال به باطل، درآمد بی‌جهت و بادآورده است.(محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳ - مکارم، بی تا، ص ۱۹)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۲- ربا بازدارندهٔ مردم از تلاشهای اقتصادی است و سبب می‌شود که مردم از تجارتها و معامله‌های مفید و سودمند، اما پر زحمت و حلال، روی گردان شده، جذب این معامله فاسد و پردرآمد و کم زحمت و حرام بشوند.(همان، ص ۲۳)

۳- ربا مصداق بارز ظلم است و در آیهٔ ۲۷۹ سورهٔ بقره، ذیل بحث ربا، خواندیم: «... لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ» نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید؛ یعنی اگر ربا بگیرید ظلم کرده‌اید پس با ربا گرفتن ظلم نکنید و اگر سرمایهٔ اصلی شما را به شما بازنگردانند به شما ظلم شده است، به همین جهت باید سرمایهٔ اولیه به شما برگردد تا مورد ظلم قرار نگیرید.

با ملاحظه این دلایل و تطبیق ان بر مساله خرید دین به مبلغ کمتر نکات ذیل که بیان گر عدم جریان ربای واقعی در این معامله است، بدست می اید:

۱- خرید دین نه تنها مصداق بارز اکل مال به باطل نیست بلکه دقیقا از مواردی است که طرفین معامله براساس منطق معاملاتی دارای سود و منفعتی می شوند، چرا که مالی که طلبکار قرار بود در موعد و اجل دیگری بدست بیاورد، زود تر از ان موعد به طلب خویش می رسد.

۲- نه تنها باعث رکود اقتصاد و فعالیت تجارتی نیست، بلکه در چرخه اقتصاد لازم و حتی باعث پیشرفت تجارتی است. به عنوان مثال تاجری طلبی از دیگری دارد ولی موعد آن سه ماه دیگری است، این تاجر نیاز شدیدی به خرید مواد اولیه برای کارخانه خویش دارد، با استفاده از همین خرید دین چک وسفته ها را به تاجر دیگری به مبلغ کمتر می فروشد و نیاز اقتصادی خویش را براورده می کند.

۳- مصداق بارز ظلم نیست، چرا که امروزه در فعالیت های اقتصادی و تجاری ان چه اهمیت بالایی دارد، زمان است. کسی که سودی از این معامله بدست می اورد عنصر مهمی را به نام زمان از دست می دهد، که بین تجار منفعت کمی نیست.

با توجه به مطالب و مراتب پیش گفته می توان به عنوان یک نظر مشهور که وفق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جز منابع حقوقی بشمار می رود، صحت خرید دین را در فقه امامیه مورد پذیرش قرار داد،همان طور که بزرگانی از فقهای معاصر بدان ملتزم شده اند.(ر ک به صص ۴ و ۵ همین نوشتار)

۲-۳-۲- وضعیت حقوقی خرید دین

در اواخر سال ۱۳۸۹ پس از طرح موضوع در شورای فقهی و تشریح ان در نظام حقوقی بانکی، پیشنهاد اضافه شدن سه عقد (خرید دین،استصناع، مرابحه،) به برنامه پنجم توسعه توسط بانک

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

مرکزی مطرح گردید و با مساعدت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده شد، سپس هیئت وزیران به استناد ماده ۹۸ در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۵/۲ بخشنامه ان را برای الحاق به قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب نمود؛ دستور العمل اجرایی ان نیز در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ توسط شورای محترم پول و اعتبار به تصویب رسید.

البته باید اذعان داشت قانون مذکور، خرید دین را مختص خرید دین پولی ندانسته است و البته باید توجه داشت که دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین به طور خواسته یا نا خواسته دو مطلب را مد نظر قرار داده است، که جدا قابل انتقاد است:

۱- خرید دین را در جای جای دستور العمل فقط از نوع خرید دین پولی (تنزیل) مد نظر قرار داده است. که به نظر می رسد این محدود کردن عقد خرید دین است که می تواند در بسیاری از موارد که دین پولی نیست به کمک تجار و .... بیاید.

۲- در خیلی از مواد دستور العمل عبارت «به صورت وجه نقدی..» استفاده شده است که بیانگر عدم پذیرش خرید دین به ثمن موجل از یک سو، و خرید دین به دین از سوی دیگر است؛ این بحث از دستور العمل اجرایی عقد خرید دین قابل انتقاد است که باید مورد اصلاح قرار بگیرد، البته باید اذعان داشت موضع متعلق به دستور العمل است وگرنه خود ماده واحده ای که عقود سه گانه را به قانون عملیات بانکی بدون ربا ملحق کرد چنین نظری را اعمال ننموده بود و از نظر مشهور فقها برای عقد دین پیروی نموده بود.

نهایتا می توان اذعان کرد صحت عقد خرید دین به عنوان یکی از عقود شرعی مورد پذیرش قانون گذار قرار گرفته است که البته برای تفسیر ان ناگزیر از متون فقهی معتبر و دستورالعمل های مصوب برای ان استفاده کرد.

۳- خرید دین پولی (تنزیل)

امروزه با توجه به اینکه دیون در اغلب موارد دین پولی است، خرید دین از نوع پولی یا تنزیل کاربرد فراوان پیدا می کند؛ وضعیت حقوقی این نوع از خرید دین تفاوتی با اصل خرید دین ندارد و مشمول قاعده عام در مورد خرید دین است، که البته مفصل بررسی می شود.

۳-۱- مفهوم تنزیل

مفهوم تنزیل را از جهات گوناگونی می توان مورد مداقه قرار داد؛ گاهی تنزیل را به معنی پست کردن و در اصطلاحات عامیانه ربح پول را گرفته ان و همچنین بدان نزول عنوان داده اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۶، ص۱۷۹) یا به عبارتی تنزیل را از ریشه «ن - ز - ل » به معنی پایین آوردن،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

کاستن و جای گزین کردن پنداشته اند. (بنـدر ریگـی، ۱۳۷۵،ج ۲، ص ۱۹۱۳) کـه از ایـن میـان، معنای اول با بحث ما متناسب است . هم چنین سودی که به پول وام داده شده را تنزیل و نیـز بـه پولی که برای پرداخت وجه برات یا سفته قبل از سررسید کسر کنند، را تنزیل گفتـه انـد. (عمیـد، ۱۳۵۵، ص ۳۲۲ و معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۵۱) این کاربرد در زبان فارسی، به مفهوم اصطلاحی و اقتصادی تنزیل که ما قصد بررسی آن را داریم، نزدیک اسـت. تنزیـل در اقتصـاد عبـارت اسـت از معامله و فروش حق دریافت مبلغ مدت دار در مقابل مبلغی کم تر و نقد و به مابه التفاوت دو مبلغ، نزول می گویند . لازمه این تعریف محاسبه ارزش فعلی مبلغ مـدت دار اسـت. (مریـدی و نـوروزی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۲)

در متون اسلامی «بیع دین » یکی از واژه هایی است که بـا تنزیـل مـاهیتی یکسـان دارد و در بانک داری اسلامی از آن به فروش یا خرید دین پولی یاد می شود. به عبارت روشن تـر، بیـع دیـن پولی عبارت است از تنزیل اسناد و اوراق تجاری که سررسید آن ها در آینده است؛ بـه ایـن صـورت که مثلا دارنده سفته با مراجعه به بانک، قبل از سررسید طلب خود را نقدا و با مبلغی کم تر دریافت می نماید.

البته میان بیع دین و تنزیل به معنای خاص کلمه تفاوتهایی وجود دارد:

۱- در بیع دین، فقط عقد بیع مطرح است ولی در تنزیل، می توان از عقود دیگری مثل صلح بهره گرفت.

۲- به طور معمول تنزیل فقط در بدهی پولی مطرح است ولی خرید دین در کالاها هـم مـی‌توانـد مطرح باشد. به طور مثال می‌توان موردی را در نظر گرفت که شرکت یا موسسه‌ای بخشی از محصولات خود را که قرار است پیمانکار برای او بسازد، به طور کلی می فروشد کـه در آینده تحویل دهد.

ولی این تفاوتها ان قدر اساسی نیست که درحکم خرید دین و تنزیل اختلاف ایجاد کند بـا ایـن حال به بررسی دیدگاههای فقهای امامیه در این موضوع می پـردازیم؛ ولـی قبـل از ان بایـد اذعـان داشت که روشن شدن حکم خرید دین پولی منوط به اثبات سه نکته است:

الف) مالیت داشتن پول

به طور خلاصه می توان اذعان داشت: عنوان مال یک امر عرفی و عقلایی است، یعنی هر آن چیـزی را که عرف و عقلاء آثار مالیّت بر آن مترتّب کنند، مالیّت پیدا کـرده و مـال محسـوب خواهـد شـد. برخی اشیای عالم به جهت فوایدی که دارند در نظر عرف و عقلا مطلوبیّت پیدا کرده، مورد عرضه و تقاضا واقع می‌شوند. در نتیجه از آن اشیاء مالیّت انتزاع می‌گردد. بنابراین مالیّت پیدا کردن اشیا در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

نظر عرف بدان خاطر نیست که عرف آن اشیا را مال بداند؛ بلکه از چگونگی بکارگیری آنها توسط عرف، می‌توان مالیّت آنها را انتزاع کرد. شایان توجه است که وقتی عنوان مال را یک امری عرفی و عقلایی بدانیم، باید درهر زمانی کشف نماییم که عرف و عقلا چه اشیایی را مصداق مال می‌دانند.
مال هرآن چیزی است که در نظر عرف و عقلا مطلوبیت داشته، در نتیجه برای آن تقاضا ایجاد گردد و از صفت کمیابی نسبی نیز برخوردار باشد.

ب) قابلیت نقل و انتقال پول

مقدمتا باید گفت: در معامله پول تنها اشکالی که می تواند مانع شود بحث ربوی بودن ان است بدین توضیح که کسانی که ربای معاملی را فقط در مکیل و موزون جاری می دانند، طبیعتا نباید در بیع پول مشکلی داشته باشند؛ ولی کسانی که نظرات و عقاید دیگری غیر از انچه ذکر شد دارند، بالطبع باید در مورد بیع پول هم عقیده ای غیر از انچه ذکر شد داشته باشند. با توجه به این مطلب می توان خلاصه نظرات ایشان را در ذیل دو گروه جمع اوری و بررسی نمود:

۱- عدم امکان معامله پول

گروهی از فقها در مبحث ربا هم عقیده با مشهور نیستند و عقاید گوناگونی در این زمینه دارند به عنوان مثال شیخ مفید ربای معاملی را در معدودات نیز جاری می‌داند و تفاوتی بین ربای قرضی و ربای معاملی به لحاظ جنس موضوع قایل نیست. (مفید، همان ، ص۶۰۴ و ۶۰۵) و یا شهید صدر که در بحث ربای معاملی نظری کاملا متفاوت ارایه می نماید؛ ایشان اعتقاد بر این دارند که موضوع ربای معاملی را اشیای مثلی تشکیل می دهد. (حکیم، همان،ج ۲، ص ۷۱) و یا استاد شهید مطهری که موضوع ربای معاملی را در اشیایی که قابل تقدیر و اندازه‌گیری است و یا امور مثلی و مثلیات یا غیرمشاهدها منحصر نموده اند؛ که البته شامل مکیل و موزون و معدودها هم می‌شود. (شهید مطهری، ۱۳۶۴، صص ۲۰۷- ۲۰۴ و ۷۹ و ۷۸) همان طور که محرز است، پول در تعاریفی که این دید گاه در مورد بیع و معامله پول ارایه می دهند؛ می تواند مطرح شود و ربا در ان راه پیدا کند؛ در تعریف شیخ مفید شکی نیست، که پول از معدود ها و قابل شمارش است در تعریف شهید صدر همین طور می توان پول را از اموال مثلی به شمار اورد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۲- امکان معامله پول

گروهی که می توان انها را مشهور فقها نامید، به مبادله و معامله پول اعتقاد داشته و ربا را هم در ان جاری نمی دانند. با تدقیق در گفته های ایشان می توان چنین استنباط نمود: مشروعیت خرید و فروش اسکناس خود مبتنی بر دو مطلب است:

الف) حرمت ربای معاملی منحصر در اشیای مکیل و موزون باشد.

ب) خرید و فروش نسیهٔ اسکناس از نظر عرف مردم، معامله محسوب شود نه قرض

در مورد مبنای اول می توان گفت مشهور فقها در مکیل و موزون بودن جنس برای ربا در معامله اتفاق نظر دارند. مبنای دوم نیز از جانب برخی از بزرگان مورد مناقشه واقع شده است. آنها معتقدند فروش هزار تومان مثلاً به هزار و دویست تومان به طور نسیه، در واقع و در نظر عرف قرض می‌باشد، که قالب خرید و فروش پیدا کرده است؛ یعنی در واقع شخص‌هزار تومان به دیگری قرض داده، تا دو ماه بعد هزار و دویست تومان دریافت کند. به عنوان مثال حضرت امام (ره) این گونه معاملات را در صورتی که به عنوان راهای تخلص از ربا استفاده نشود، جایز می دانند.[1] (خمینی ، همان ج۲، صص ۶۱۳ و ۶۱۴ و حکیم، همان، ۱۴۱۰، ج ۲ ، ص۷۵)

---

۱. «قد تقدم أن الأوراق النقدیهٔ لا یجری فیها الرباغیرالقرضی فیجوز تبدیل بعضها ببعض بالزیادهٔ و النقیصهٔ، سواء کان المتبادلان من نقد مملکتین کتبدیل الدینار بالاسکناس أولا کتبدیل الاسکناس بمثله و الدینار بمثله، من غیر فرق بین کون معتمدها (پشتوانه) ذهبا و فضهٔ أو غیرهما من المعادن کالأحجار الکریمهٔ و النفط، نعم لو فرض فی مورد تکون الأوراق المذکورهٔ کالأوراق التجاریهٔ کان حکمها کتلک الأوراق لکنه مجرد فرض، هذا إذا قصد بذلک البیع دون القرض، و إلا فلا یجوز.» ترجمه « تحقیقا گذشت که ربای غیر قرضی در اوراق نقدی، جاری نمی‌شود؛ پس تبدیل بعضی از آنها به بعضی به زیاده و کم جایز است؛ خواه آنچه که با همدیگر تبدیل می‌شود از نقد دو مملکت باشد مانند تبدیل دینار به اسکناس یا نه مانند تبدیل اسکناس به مانند آن (اسکناس) و دینار به مثل آن (دینار) باشد. و بین اینکه معتمد و پشتوانه آنها طلا و نقره باشد یا غیر آنها از معادن مانند سنگهای قیمتی و نفت، فرق نمی‌کند.البته اگر در موردی فرض شود که اوراق یاد شده مانند اوراق تجارتی است، حکم آنها مانند همان اوراق است، لیکن این مجرّد فرض است. این در صورتی است که بیع را به آن قصد نماید- نه قرض را- وگرنه جایزنمی‌باشد. و همچنین «الأوراق النقدیهٔ لما لم تکن من المکیل و الموزون لا یجری فیها الربا فیجوز التفاضل فی البیع بها لکن فی النفس منه شیء فالأحوط ضم جنس آخر إلی الأقل و لو کان من الدراهم فی بیع الدنانیر العراقیهٔ أو القران فی التومان، و منه یظهر ان تنزیل الأوراق لا بأس به مع الاحتیاط المذکور، و اما ما یتعارف فی زماننا من إعطاء سند بمبلغ من الأوراق النقدیهٔ من دون أن یکون فی ذمته شیء فیأخذه آخر فینزله عند شخص ثالث بأقل منه فالظاهر ان مرجعه الی توکیل من بإمضائه السند للشخص الآخر فی إیقاع المعاملهٔ فی ذمته علی مقدار مؤجل بأقل منه» و همچنین ایت الله مکارم : «اسکناس جزء معدودات است و قاعدتاً حکم ربا در خرید و فروش آن جاری نمی‌شود. ولی در این‌جا مشکل دیگری وجود دارد؛ و آن این که در عرف عقلا اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبهٔ مثمن ندارد. هیچکس در عرف بازار نمی‌گوید من ده هزار تومان نقد را به شما می‌فروشم به یازده هزار تومان، یک ماه، مگر کسانی که بخواهند آن را حیلهٔ فرار از ربا قرار دهند، یعنی در واقع می‌خواهند با ربا وام بدهد و نام آن را بیع می‌گذارد و این گونه فرارها اعتباری ندارد. تنها دو مورد استثنا در این مسأله وجود دارد: نخست، خرید و فروش ارزهای مختلف که مثلا دلار را با تومان مبادله می‌کنند و در عرف عقلا دیده می‌شود؛ دیگری معاملهٔ نقدی اسکناس‌های کوچک و بزرگ یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نو بودن اسکناس یا کم حجم بودن آن در مسافرت و غیر آن، در غیر این دو صورت اسکناس مثمن واقع نمی‌شود.» ر ک به پاسخ ایشان به نامهٔ شمارهٔ ۲۲۹۴، تاریخ ۳۰/ ۳/ ۱۳۷۵، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی [دفتر قم].

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

در پاسخ به این اشکال که البته در موارد بسیاری حق با ایشان است و معامله پول با پول بواقع همان قرض است، باید به این نکته اشاره نمود که حکم بیع پول مدخلیّت تام در حکم بیع دین پولی ندارد، با این توضیح که این اشکال در بحث بیع پول مطرح است نه در بحث بیع دین پولی که همان تنزیل است، می دانیم که در عرف امروزی وقتی هزار تومان پول داده می شود و هزار و دویست تومان گرفته می شود، این بیع نیست چرا که هر انسان عاقلی از این مبادله مفهوم قرض را می فهمد ولی وقتی که کسی هزار و دویست تومان به دیگری بدهکار است و طلبکار این دین را به هزار تومان نقد می فروشد، تنها مفهومی که به ذهن مرتکز می شود همان مفهوم بیع و معامله است نه قرض یا چیز دیگری.

با دقت در مسایل پیش گفته و مطالعه دستور العمل مصوب شورای پول و اعتبار می توان در پاسخ سوال سوم و تطبیق احکام خرید دین بر تنزیل اذعان داشت که بیع دین پولی یا همان تنزیل با شرایط ذیل اشکالی ندارد:

۱- دین حقیقی باشد؛ یعنی فروشنده آن واقعاً از شخص طلب داشته باشد. بنابراین در صورت صوری بودن طلب این همان قرض ربوی است، که حتی اگر ان را بیع بدانیم به لحاظ عدم وجود مورد معامله محکوم به بطلان است.

بر همین اساس است که ماده ۳ و دستور العمل اجرایی خرید دین چنین مقرر می دارد: «اسناد و اوراق تجاری به ان دسته از اسناد و اوراق بها دار اطلاق می گردد که مفاد ان حاکی از طلب حقیقی متقاضی باشد.» [۱]

حقیقی بودن دین بدین معناست که دینی مورد معامله قرار می گیرد که به طور واقعی وجود داشته باشد، و به نظر می رسد از شرایط صحت عقد است چرا که اگر دینی وجود نداشته باشد، موضوع معامله مخدوش و غیر واقعی است. انگیزه طرفین از معامله دین، صوری و غیر واقعی دو مورد می تواند باشد:

الف) گاهی شخصی می خواهد از بانک وام بگیرد ولی به هر دلیلی این امر امکان پذیر نیست، با توجه به اضطراری که دارد به طور صوری اسناد و اوراق تجاری که بیانگر طلب او از شخص دیگری است را مهیا نموده و بدین ترتیب به نام خرید دین ولی در واقع گرفتن وام از بانک مشکل خویش را حل می کند.

ب) گاهی این عمل راهی است برای دور زدن شرع و قانون که منجر به معاملات ربوی می شود، بدین ترتیب که شخصی قصد قرض دادن به دیگری و گرفتن ربا از وی را دارد، در قالب عقد خرید

---

۱. همچنین ماده ۴ دستور العمل مذکور « بانک ها موظف اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقد شوندگی ان در سر رسید، اطمینان پیدا کنند.»

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

دین بین خودشان به طور غیر واقعی طلبی را بر اساس اسناد تجاری مهیا کرده و با عنوان عقد خرید دین ان را به مبلغ کمتر به خود او می فروشد، البته این در صورتی است که عقد خرید دین موضوع قانون الحاقی به قانون عملیات بانکی بدون ربا را در مورد اشخاص حقیقی هم جاری بدانیم، چرا که در دستور العمل و خود قانون یک طرف قرارداد یعنی خریدار دین بانک ها هستند.

البته شرط حقیقی بودن دین چیز تازه ای در بحث خرید دین نیست، در فقه امامیه هم فقها به بحث در مورد ان پرداخته اند؛ برخی در مورد سفته که یکی از مصادیق اسناد تجاری است قائل به تفکیک ان به شکل ذیل شده اند:

۱- سفته واقعی

سفته واقعی سندی است که بیانگر بدهی واقعی بدهکار به دارنده سند است، و اکثریت فقها قائل به صحت بیع چنین دینی شده اند حال برخی ان را مطلقا و برخی با تفصیل صحیح می دانند. (خمینی، همان، ج۲، ص۸۷۲)

۲- سفته دوستانه (صوری)

سفته دوستانه سندی است صوری بین دو نفر تنظیم شده است بدون اینکه واقعا دینی در کار باشد، که اغلب برای تنزیل و معامله پولی صورت می گیرد که فقها بیع این دین را را باطل و حرام می دانند. (خراسانی، ۱۴۲۸، ص۶۰۰)

البته از حقیقی بودن دین نمی شود به راحتی اطمینان حاصل کرد، به نظر می رسد باید در این زمینه کمی با دقت بیشتری به مساله نگاه کرد، بدین ترتیب که بانکها و کسانی که متصدی انجام این گونه معاملات هستند، شرایطی را تعیین که بواسطه انها بتوان حقیقی و غیر حقیقی بودن دین را تشخیص داد؛ مثلا برای متقاضیانی که درخواست فروش دین خود را دارند، بخواهند که قرارداد اصلی و بیانگر سند را که بین تجار منعقد می شود و یا هر گونه سندی که نشانگر وجود رابطه حقوقی بین طلبکار و بدهکار هست را به بانک ارایه کنند.

البته لازم است برای اسناد صوری و غیر واقعی هم باید فکری شود، که قابل خرید و فروش باشند؛ در بین فقها هم برخی راهکار هایی ارایه داده اند؛ (خمینی، مترجم اسلامی، ۱۴۲۵، ج۴، ص۴۵۵) به عنوان مثال برخی برای بیع سفته صوری دو راه حل پیشنهاد نموده اند:

۱- «اگر ورقهٔ سفته را به دیگری بدهد تا آن را نزد شخص ثالثی کم نماید و این شخص سوم در موعد مقرر به مدیون صوری رجوع کند، در حقیقت به توکیل او به اینکه او معاوضه را با شخص ثالث در ذمّه مدیون صوری واقع سازد، بر می‌گردد؛ پس مدیون صوری بعد از معامله‌ای که به وکالت او انجام شده، حقیقتا مدیون شخص ثالث می‌شود.» (خمینی، همان)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

و چون این بیع مکیل و موزون نیست، معامله به کمتر و بیشتر صحیح است. و نیز این عمل اذن دادن به طلبکار صوری است در قرض گرفتن برای خودش آنچه را که می‌گیرد. و باید شرط ربح نشود. و زیادی (یا) مجانا داده می‌شود یا عمل به استحباب شرعی می‌باشد. و دافع حق رجوع به طلبکار صوری را دارد برای آنکه قرار ضمنی داشته و اینکه او متبرع نمی‌باشد.

۲- « دادن ورقه سفته به او تا آن را کم کند و سومی به او رجوع کند موجب دو امر است: یکی از آنها این است که: طلبکار صوری به اندازه ورقه سفته، نزد سومی (بانک یا غیر آن) صاحب اعتبار می‌شود. و برای همین جهت بر ذمّهٔ طلبکار صوری معامله می‌شود؛ پس او مدیون شخص ثالث می‌گردد. دوّمی آنها این است که: التزامی است از مدیون صوری به ادای مقدار مذکور؛ در صورتی که طلبکار صوری که او حقیقتا مدیون شخص سوم شده آن را نپردازد. و این التزام، ضمنی است به خاطر معهود بودن رجوع به او، در صورت نپرداختن مدیون. و برای دافع، رجوع به مدفوع عنه جایز است در صورتی که متبرّع در پرداخت نبوده و این نیز، لازمهٔ قرار مذکور می‌باشد. و ظاهر آن است که بعد از آنکه ربوی نباشد، این معامله و التزام مذکور، صحیح است؛ زیرا این از قبیل ضمّ ذمّه به ذمّه می‌باشد و به حسب قواعد صحیح است، اگر چه بنابر مذهب حق، به ضمان برنگردد.» (همان)

همچنان که پیداست ایشان بیع دین غیرحقیقی را در قالب وکالت و ضمان توجیح کرده اند؛ و بهتر بود که قانون گذار علاوه بر اوردن این شرط،(حقیقی بودن دین) روشی هم برای بیع دیون غیر حقیقی پیش بینی می کرد؛ البته نه اینکه خرید دین صوری انجام شود بلکه با توجه مباحث مذکور و استفاده از عقد ضمان و وکالت انتقال دین صورت بگیرد.

البته هستند کسانی که در عین حال که بیع پول را مجاز نمی دانند، ولی تنزیل را مجاز می‌پندارند؛ به عنوان مثال: سید محمد باقر صدر در ضمن اشاره به شهرت صحت تنزیل در بین فقهای امامیه، خود با این که در بیع پول ربا را را جاری می داند، احتمال صحت ان را می دهد؛ البته در اسناد و اوراق تجاری که واقعی باشد.[1] (شهید صدر، ، ۱۴۰۱، ص ۱۵۹)

---

۱. با این عبارت «تکییف خصم الکمبیالهٔ علی أساس البیع و هناک اتجاه فقهی الی تکییف عملیهٔ خصم الکمبیالهٔ علی أساس البیع و ذلک بافتراض ان المستفید الذی تقدم الی البنک طالبا خصم الورقهٔ یبیع الدین الذی تمثله الورقهٔ و هو مثلا ۱۰۰ دینار به ۹۵ دینارا حاضره، فیملک البنک بموجب هذا البیع الدین الذی کان المستفید یملکه فی ذمهٔ محرر الکمبیالهٔ لقاء الثمن الذی یدفعه فعلا الیه فیکون من بیع الدین بأقل منه و علی أساس هذا التکییف لعملیهٔ الخصم یتجه کثیر من الفقهاء الی جوازه شرعا لأن بیع الدین بأقل منه جائز شرعا إذا لم یکن الدین من الذهب أو الفضهٔ أو مکیل أو موزون آخر. و نظرا الی ان الدین المباع بأقل منه بعملیات الخصم لیس من الذهب و الفضهٔ و انما هو دین بأوراق نقدیهٔ فیجوز بیعها بأقل منها.»

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

یا حضرت امام خمینی با اینکه بیع پول را در واقع قرض و ربوی می داند، راهکاری را برای تنزیل ارایه می نماید: « با این حال، می‌توان تنزیل آن را به شکل دیگری مشروع دانست، به این صورت که امضاکنندهٔ سفته، استفاده‌کننده را وکیل می‌کند تا مقدار سفته را در ذمهٔ امضاکننده بفروشد به پولی دیگر و به قیمتی کمتر از ارزش آن. مثلًا اگر سفته ۵۰ دینار عراقی باشد و ارزش واقعی آن ۱۱۰۰ تومان باشد استفاده‌کننده به وکالت از امضاکننده ۵۰ دینار در ذمهٔ او می‌فروشد به ۱۰۰۰ تومان. پس از این معامله، ذمهٔ امضاکنندهٔ سفته به ۵۰ دینار مشغول می‌شود و استفاده‌کننده هزار تومانی که ملک امضاکننده است دریافت می‌کند. سپس استفاده‌کننده هزار تومان را به وکالت از امضاکننده به خودش می‌فروشد در مقابل ۵۰ دینار در ذمهٔ خودش، در نتیجه ذمهٔ او برای امضاکننده به مقدار همان پنجاه دینار که امضاکننده بدهکار بانک است بدهکار می‌شود.» (خمینی، ۱۴۲۴، ج۲،ص ۸۹۱)

همینطور یکی دیگر از فقهای معاصر که تنزیل را محل اشکال می داند، راهکاری را برای ان ارایه می دهد: «و چنانچه مالک ناقص با مالک زاید مصالحه کند بر این که مالک زاید آن را به او ببخشد، و او هم ناقص را به مالک زاید ببخشد، اشکال ندارد، مثلا مالک نهصد تومان به مالک هزار تومان به قصد مصالحه بگوید: «مصالحه می‌کنم با تو بر این که هزار تومان به من ببخشی و من نهصد تومان به تو ببخشم.»[1](وحید خراسانی، همان، ص ۶۰۵)

۳- نقد شوندگی دین و معتبر بودن مدیون

ماده ۵ دستور العمل اجرایی خرید دین مقرر می دارد: « بانک ها موظف اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقد شوندگی ان در سر رسید، اطمینان پیدا کنند.»

منظور از نقد شوندگی دین این است که بانک اطمینان پیدا کند که دین از طرف مدیون پرداخت خواهد شد وگرنه بانک ضرر خواهد کرد و به دردسر خواهد افتاد. برای رسیدن بدین منظور می‌توان ترتیبی داد که قبل از معامله از وضعیت مدیون اطلاعاتی بدست اید، تا معتبر یا غیر معتبر بودن وی روشن شود. مثلا می توان به عنوان مدارک لازم برای انجام خرید دین، استعلام وضعیت ملکی

۱. «و معلوم است که این پولها با کیل یا وزن فروخته نمی‌شوند، و از این جهت بعضی از فقها (اعلی اللّه مقامهم) فرموده‌اند: «معاوضهٔ این پول‌ها به هم جنس خود با زیاده جایز است، و همچنین معاملهٔ این پول‌ها که دین در ذمه باشد به نقدی با نقیصه یا زیاده جایز است.» ولی معاوضهٔ چیزی که مالیّت اعتباری دارد و به شماره خریدوفروش می‌شود، به هم جنس خود با زیاده یا نقیصه محلّ اشکال است».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

مدیون از اداره ثبت را لازم دانست. یا اینکه بانک فقط دیونی را مورد خرید و فروش قرار می‌دهد که وثیقه و تضمین مناسب و معتبری داشته باشد.

۴- مدت سررسید

در مورد سرسید دینی که مورد معامله قرار می گیرد ماده ۶ دستور العمل اجرایی خرید دین مقرر می دارد: « خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری توسط بانک ها در صورتی مجاز است که سر رسید این قبیل اسناد و اوراق تجاری از یک سال تجاوز ننماید.»

تبصره «بانک ها در موارد خاص و با موافقت هیئت مدیره خود، مجاز به خرید موضوع اسناد و اوراق تجاری با سر رسید حداکثر تا دو سال می باشند.»

با توجه به این که خریدار دین در قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستور العمل شورای پول و اعتبار همیشه بانک ها هستند این شرط برای انها لازم است؛ و در نتیجه هیچ گاه در خرید دین اسناد و اوراق تجاری که صورت می گیرد، سر رسید ان بیش از دو سال نمی تواند باشد؛ و دو سال هم با توجه به موارد خاص و موافقت هیئت مدیره بانک صورت می گیرد. انچه قابل بحث است نخست موارد خاص که دستور العمل هیچ توضیحی در مورد ان نداده است و روشن نیست که این موارد خاص چه مواردی است؟ دوم موافقت هیئت مدیره که ایا شرط صحت معامله است و یا برای ارشاد آورده شده است؟

در مورد اولی به نظر می رسد موارد خاص مواردی است که اوضاع و احوال دینی که مورد معامله قرار می گیرد متفاوت است؛ به عنوان مثال متعهد دین شرکت سهامی عام است که از اعتبار بسیار بالایی در دنیای تجارت برخوردار است و میزان دین به اندازه ای است که ازرش پول و تورم در ان تاثیر چندانی ندارد؛ با توجه به این اوضاع و احوال بانک می تواند با موافقت هیئت مدیره خود اقدام به خرید اسناد تجاری بنماید. در مورد موافقت هیئت مدیره می توان گفت به دلیل اینکه قانون این حق را به بانک برای معامله دین نداده است موافقت هیئت مدیره از شرایط صحت عقد به شمار می رود و لهذا این امر باید مورد توجه قرار گیرد.

۵- نمونه های عملی

در نظام بانکداری تنزیل اعتبارات اسنادی و تنزیل اسناد تجاری و اوراق بهادار در قالب خرید دین پولی انجام می شود که در ذیل بدان اشاره می کنیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۱-۵- تنزیل اعتبارات اسنادی

اعتبارات اسنادی امروز در عملیات بانکی جایگاه ویژه ای دارد، که یکی از معاملاتی کـه بـر روی ان انجام می شود؛ تنزیل ان است که در ذیل به بررسی ان می پردازیم.

اعتبارات اسنادی: «اعتبار اسنادی ابزاری است که بوسیله آن یک بانک (بانک گشاینده یا صادر کننده) بر اساس درخواست خریدار (درخواسـت کننـده) پرداخـت وجـه معینـی را بـه فروشـنده (ذینفع) در قبال ارائه اسنادی که نشانگر اجرای صحیح قرارداد فروش هستند تعهد می کند. اعتبار اسنادی وسیله ای برای تضمین پرداخت است و نقش بانک نیز در این تضمین اهمیت فراوان دارد.» (السان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷) اعتبار اسنادی به منظور حل و فصـل تعـارض‌هـا و اخـتلاف منـافع بـین طرفین یک قرارداد خرید و فروش، تدوین و توسعه یافته است . هنگامی که خریـدار و فروشـنده در دو کشور مختلف اقامت دارند، فروشنده نمی خواهد کالاهای مورد معامله پـیش از پرداخـت بهـا در اختیار خریدار قرار گیرد و تحویل وی شـود و خریـدار نیـز مـی خواهـد پـیش از تحویـل کالاهـا ، پرداختی را انجام ندهد در این صورت از روش اعتبار اسنادی استفاده بـه عمـل مـی‌آیـد و تعهـدی ازسوی بانک است که به خریدار و فروشنده داده می‌شـود .(همـان، ص۱۷۸) در ایـن میـان پـس از رعایت مقررات و اصول اصلی از سوی بانک تعهد می‌شود که مبلغ مورد تعهد خریدار به موقـع و بـا رقم صحیح به دست فروشنده برسد . هرگاه که خریدار قادر به پرداخت مبلـغ خریـد نباشـد، بانـک موظف است باقیمانده یا تمام مبلغ خرید را بپردازد. اعتبارات اسنادی اغلب در معاملات بین المللـی به منظور اطمینان از دریافت مبالغ پرداختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گشایش اعتبار اسـنادی از وظایف نظام بانکی است در عین حال همانند سایر اعمال و فعالیـت‌هـای نظـام بـانکی بایـد تحـت نظارت و بر اساس مقررات تدوین شده توسط بانک مرکزی هر کشور انجام شود.

بنا بر مطالب پیش گفته اعتبار اسنادی تعهد یک بانک است برای پرداخت ثمن معامله مشروط بر انکه فروشنده کالا یا خدمات اسناد مندرج در قرارداد گشایش اعتبار را که مبین تحویل و ارسـال کالا یا انجام خدمت باشد ظرف مهلت مقرر به بانک ارائه کند. و وجه اعتبار زمـانی قابـل پرداخـت است که اسناد تحویل و حمل کالا و سایر اسنادی کـه در اعتبـار ذکـر شـده اسـت؛ماننـد گـواهی بازرسی کالا و غیره کاملا منطبق با شرایط ذکر شده در اعتبار باشد. (همان، صص ۲۳۲ و۲۳۳)

در اعتبارات اسنادی هنگامی که متقاضی گشایش اعتبار می نماید، بانـک را بـه مبلـغ و میـزان اعتبار مدیون خویش می کند؛ در نتیجه بانک به میزان مبلغ مورد گشایش مدیون متقاضی می‌شود و این دین به وجود امده را باید در مدت مورد نظر پرداخت نماید کـه یـا بـه خـود متقاضـی و اگـر متقاضی خود ثمن معامله را نپرداخت به طرف دیگر؛ حال این دین مدت دار را دائن به مبلغ کمتـر به مدیون (بانک) می فروشد. و این دقیقا همان تنزیل و خرید دین اسـت. در جریـان فسـاد بـزرگ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

بانکی اداره حقوقی بانک مرکزی در پاسخ به این سؤال بانک مذکور نظر خود را مبنی بر جواز تنزیل اینگونه اسناد بیان داشت و گفت: همانطور که می توان برات را نزد بانک تنزیل کرد، اعتبارات اسنادی را نیز می توان نزد بانک تنزیل نمود.

۲-۵- تنزیل اسناد تجاری

اگر یک سند تجاری بصورت وعده دار صادر شود مانند اینکه بر روی یک برات در هنگام صدور ، تاریخ یک سال بعد بر روی آن درج شود، دارنده برات می تواند قبل از سر رسید به بانک یا شخص ثالث مراجعه کند و بانک با کم کردن درصدی از مبلغ مندرج بروی سند تجاری، وجه برات را نقدا به دارنده آن می پردازد و در تاریخ سررسید تمام وجه مندرج بر روی برات را از محال علیه یا دیگر مسئولین برات اخذ می نماید، که این دقیقا همان تنزیل یا خرید دین پولی است و با پیشینه قانونی که در نظام حقوقی ایران دارد یکی از را ههای تخصیص منابع در نظام بانکی است. (تاریخ ۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار و بخشنامه ۸۲/۱۲/۲۵ بانک مرکزی)

در فقه و حقوق اقتصادی اسلامی وقتی که ما بیع دین را پذیرفتیم در واقع تنزیل را نیز پذیرفته ایم؛ زیرا بیع دین به معنای فروش دین مدت دار به مبلغ کمتر است به عبارت روشن تر، بیع دین پولی عبارت است از تنزیل اسناد و اوراق تجاری که سررسید آن ها در آینده است؛ (امام خمینی، ۱۴۲۴، ج۲،ص ۸۹۱ – وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ص ۶۰۵) به این صورت که مثلا دارنده سفته با مراجعه به بانک، قبل از سررسید طلب خود را نقدا و با مبلغی کمتر دریافت می نماید. بانکها بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار برای اشخاص حقیقی یا حقوقی تا سقف معین خط اعتبار تعیین می‌کنند و شکل استفاده از آن چنین است که اشخاص مزبور کالاهای مورد نیاز خود را خریداری و به جای پرداخت وجه نقد، سفته‌ای معادل قیمت خرید به سررسید معین به فروشندگان تحویل می‌دهند و فروشندگان کالا، سفته را به بانک محل اعتبار خریدار برده تنزیل می‌کنند.

۶- نتیجه گیری

خرید دین یکی از عقود اسلامی است که در مسائل زیادی از معاملات امروزی کاربرد دارد؛ و از جمله ان ها حقوق بانکی است؛ با مطالعه این عمل حقوقی می توان فقهای شیعه را در بحث خرید دین به پنج گروه تقسیم کرد:

۱- گروهی از فقها خرید دین را به طور مطلق صحیح می دانند، بدون اینکه در این خصوص تقسیم بندی خاصی داشته باشند و قایل به تفصیل شوند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

۲- گروهی معتدند اگر عوضی که در مقابل دین قرار می گیرد خود دین باشد، عقد خرید دین باطل است.
۳- گروهی خرید دین توسط غیر مدیون را صحیح و یا واجد اثر حقوقی نمی دانند.
۴- گروهی خرید دین بعد از حلول ان را صحیح لیکن خرید دین قبل از حلول ان را باطل و بلا اثر می دانند.
۵- گروهی دیگر خرید دین به میزان کمتر از دین را جایز و یا دست کم واجد اثر حقوقی نمی دانند.

همان طور که ملاحظه می شود گروهی از فقها قائل به صحت خرید دین به صورت مطلق هستند که می توان از این نظریه برای تقنین در حیطه بانکی استفاده و این عقد اسلامی را در حقوق بانکی بصورت کامل اجرایی نمود و در عملیات بانکی (قراردادهای تجهیز و تخصیص منابع) از ان بهره جست.

علی ایحال به نظر می رسد می توان با توجه به مشروعیت مطلق خرید دین در نگاه برخی از فقها که بدان ها اشاره شد، این عقد به عملیات بانکی بدون ربا ملحق شد.

البته قانون مذکور، خرید دین را مختص خرید دین پولی ندانسته ولی دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین را در دستور العمل فقط از نوع خرید دین پولی (تنزیل) مد نظر قرار داده که به نظر می رسد این محدود کردن عقد خرید دین است که می تواند در بسیاری از موارد غیر پولی مورد استفاده قرار گیرد؛ که البته قابل انتقاد است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

منابع و مآخذ

اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدۀ و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثۀ)، ۶ جلد، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵.

بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرۀ فی أحکام العترۀ الطاهرۀ، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵.

برد بار، نعمت الله، بررسی فقهی و حقوقی چهار قرارداد بانکی، (مضاربه، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، بیع دین) موسسه اموزش عالی بانکداری، ۱۳۸۳.

بندرریگی، محمد، المنجد، چاپ اول: تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۵،ج ۲.

تبریزی، جواد بن علی، استفتاءات جدید (تبریزی)، دو جلد، قم - ایران، اول، بی تا.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ گنج دانش، چاپ هجدهم، ۱۳۸۶.

حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیثۀ)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البیت (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸.

حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰.

حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷.

حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع القطّان، معالم الدین فی فقه آل یاسین، دو جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیۀ علی مذهب الإمامیۀ (ط - الحدیثۀ)، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرۀ الفقهاء، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البیت (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴.

حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ۱۳۸۷.

حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

حلّی، مقداد بن عبد اللّه سیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، انتشارات کتابخانه آیـۀ الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴.
خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی، أجوبۀ الاستفتاءات (فارسی)، در یک جلد، دفتر معظم لـه در قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴.
خراسانی، حسین وحید، توضیح المسائل، در یک جلد، مدرسه امام باقر علیـه السـلام، قـم - ایـران، نهم، ۱۴۲۸.
خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
خمینی، سید روح اللّه موسوی، اسـتفتاءات، ۳ جلـد، دفتـر انتشـارات اسـلامی وابسـته بـه جامعـه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲.
خمینی، سید روح اللّه موسوی، توضیح المسائل، در یک جلد، اول، ۱۴۲۶.
خویی، السید ابوالقاسم ، منهاج الصالحین، الطبعۀ الثامنۀ و العشرون، قم، نشر مدینۀ العلم، ۱۴۱.
زنجانی، سید موسی شبیری، رساله توضیح المسائل، در یک جلد، انتشارات سلسـبیل، قـم - ایـران، اول، ۱۴۳۰.
السان، مصطفی، حقوق بانکی، تهران، سمت، اول، ۱۳۹۱.
سیستانی، سید علی حسینی، المسائل المنتخبۀ، در یک جلد، دفتر حضرت آیۀ الله سیستانی، قـم - ایران، نهم، ۱۴۲۲.
شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید ، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قـم - ایران، دوم، ۱۴۲۷.
شیرازی، ناصر مکارم، بررسی طرق فرار از ربا، در یک جلد، قم - ایران، اول، بی تا.
صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، الهدایۀ فی الأصول و الفروع، در یک جلد، مؤسسه امام هـادی (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸.
طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخـلاف، ۶ جلـد، دفتـر انتشـارات اسـلامی وابسـته بـه جامعـه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷.
طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیلۀ إلی نیل الفضیلۀ، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آیـۀ الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸.
عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشـیعۀ، ۳۰ جلـد، مؤسسـه آل البیـت (ع)، قـم - ایـران، اول، ۱۴۰۹.
عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامۀ فـی شـرح قواعـد العلاّمـۀ (ط - الحدیثـۀ)، ۲۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]

عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیهٔ فی فقه الإمامیهٔ، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۸.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضهٔ البهیهٔ فی شرح اللمعهٔ الدمشقیهٔ (المحشّی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰.

عاملی، کرکی، محقق ثانی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البیت (ع)، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۴.

عمیدی، سید عمید الدین حسینی، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶.

فاضل لنکرانی، محمد موحدی، رساله توضیح المسائل (فاضل)، در یک جلد، قم - ایران، ۱۴۲۶.

-فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، سوم، ۱۴۱۷.

فیاض، محمد اسحاق، مترجم موسی دانش، چاپ اول، استان قدس رضوی،۱۳۹۲.

قنواتی، جلیل، وحدتی، حسن، عبدی پور، ابراهیم(زیر نظر محقق داماد)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها) سهامی انتشار،چاپ ششم، ۱۳۸۳، ج ۲.

کاشانی، سید محمود، نارسایی های حقوق بانکداری در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.

محقق داماد، سید مصطفی، تحصیل مال از طریق نامشروع، نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۳.

مفید، محمّد بن محمد، المقنعهٔ، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمهٔ الله علیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳.

نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیهٔ الطالب فی حاشیهٔ المکاسب، ۲ جلد، المکتبهٔ المحمدیهٔ، تهران - ایران، اول، ۱۳۷۳.

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-03]